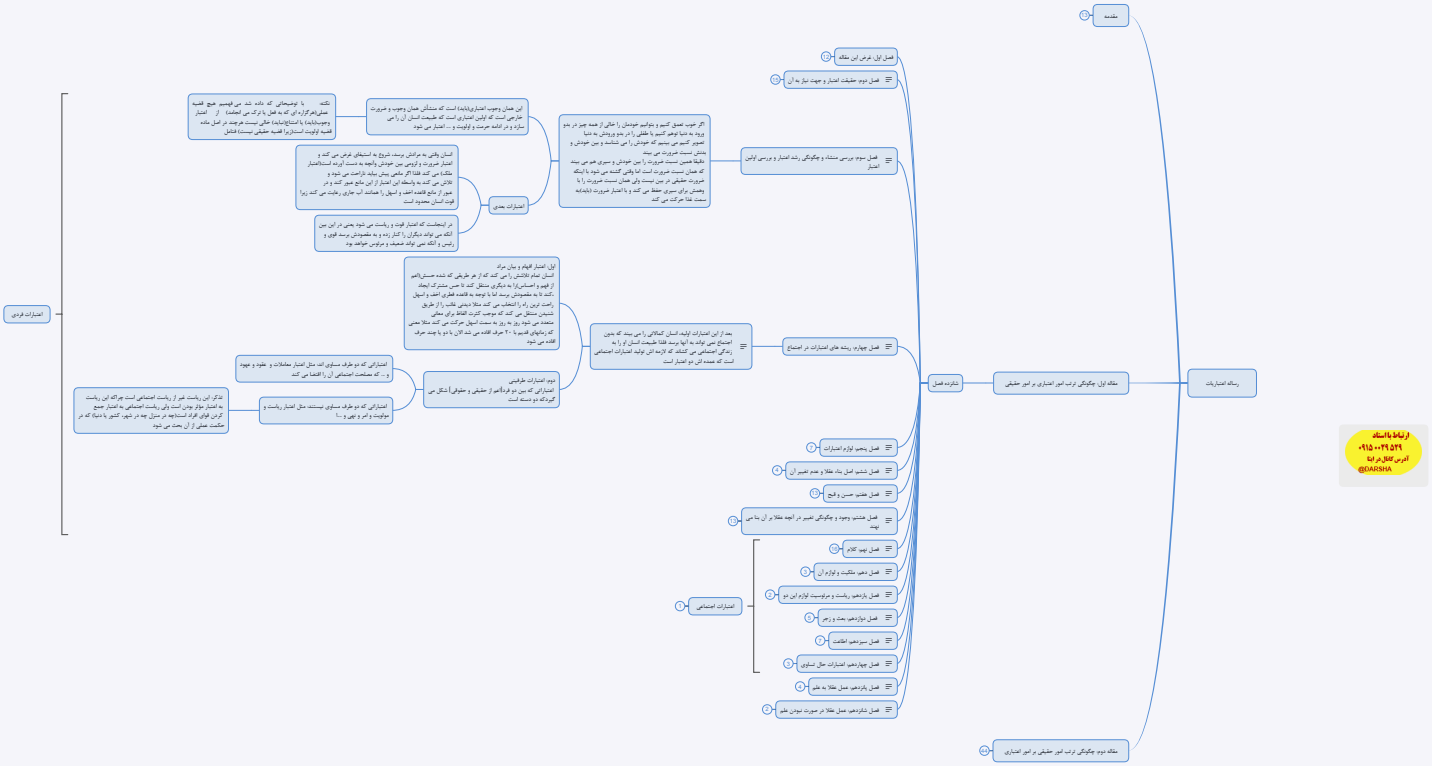
رساله اعتباریات
مقدمه
مقاله اول: چگونگی ترتب امور اعتباری بر امور حقیقی
شانزده فصل
فصل اول: غرض این مقاله
فصل دوم: طبقات اعتبار و جهت نیاز به آن
فصل سوم: بررسی منشاء و چگونگی رشد اعتبار و بررسی اولین اعتبار
اگر خوب تعمق کنیم و بدوآنیم خودمان را حتی از همه چیز در بدو ورود به دنیا توهم کنیم یا طفلی را در بدو پرورش، به دنیا تصویر کنیم می بینیم که خودش را می شناسد و بین خودش و بقیه نسبت صروت می بیند
دقیقا همین نسبت ضرورت را بین خودش و دسری هم می بیند که فعل نسبت ضرورت است اما باقی گفته می شود با اینکه ضرورت حقیقی در بین نیست ولی فعال نسبت ضرورت را با بعضی برای سیری حفظ می کند و با اعتبار ضرورت (بایدانه سمت غذا حرکت می کند
اعتبارات بعدی
این همان وجوب اعتباری(بایدی) است که متشائی همان وجوب و ضرورت عارضی است که اولین اعتباری است که طبیعت انسان آن را می سازد و در اداقه حرمت و اولویت و ... اعتبار می شود
نکته با توضیحاتی که داده شد می فهمیم هیچ قضیه حقیقی(هرگزاری که به فعل یا ترک می انجامد از اعتبار وجوب(بایدی) یا استلزام(بایدی) خالی نیست هرچند در اصل ماده قضیه اولویت استدلزا قضیه حقیقی نیست) فشائل
انسان وقتی به مراتبی برسد، شروع به استغنای غرض می کند و اعتبار ضرورت و لزومی بین خودش واتچه به دست آورده استلزاعتبار
مکلارد می کند فقط اگر مانعی پیش بیاید ناراحت می شود و تلاش می کند به واسطه این اعتبار از این مانع عبور کند و در عبور از مانع قاقده اضف و استیل را همانند اب جاری رعایت می کند زیرا قوت انسان محدود است
در اینجاست که اعتبار قوت و ریاست می شود یعنی در این بین آنکه می تواند دیگران را کنار زده و به مقصودش برسد قوی و رئیس و آنکه نمی تواند ضعیف و مرئوس خواهد بود
فصل چهارم: ریشه های اعتبارات در اجتماع
بعد از این اعتبارات اولیه، انسان کمکاکی را می بیند که بدون اجتماع نمی تواند به آنها برسد فقا طبیعت انسان او را به زندگی اجتماعی می کشاند که لازمه این تولید اعتبارات اجتماعی است که عمده آن دو اعتبار است
اول: اعتبار الهام و بیان مراد
انسان تمام تلاشش را می کند که از هر طریقی که شده حسن‌الفهم از فهم و احساس(را به دیگری منتقل کند تا حس مشترک ایجاد شده تا به مفهومش برسد انها با توجه به قاقده قطرای اضف و استیل راحت ترین راه را انتخاب می کند مثلا دیدنی طلب را از طریق شنیدن منتقل می کند که موجب کثرت الفاظ برای معانی متعدد می شود روز به روز به سمت اسهل حرکت می کند مثلا معنی که زمانهای قدیم با ۳۰ حرف قاقده می شد الان با نو یا چند حرف قاقده می شود
دوم: اعتبارات طرفینی
اعتباراتی که بین دو فرد(هم از حقیقی و حقوقی) تشکل می گیرد(که دو دسته است
اعتباراتی که دو طرف مساوی نیستند مثل اعتبار ریاست و مولویت و امر و نهی و ...)
اعتباراتی که دو طرف مساوی هستند مثل اعتبار معاملات و عقود و عهود و ... که مصلحت اجتماعی آن را اقتضا می کند
تذکر: این ریاست غیر از ریاست اجتماعی است چراکه این ریاست به اعتبار عوام بودن است ولی ریاست اجتماعی به اعتبار جمع کردن قوای افراد استاجتها در منزل چه در شهر، کشور یا دنیا که در حکومت عدلی از آن بحث می شود
اعتبارات فردی
فصل پنجم: لوازم اعتبارات
فصل ششم: اعمال بنا، عقلا و عدم تغییر آن
فصل هفتم: حسن و قبح
فصل هشتم: وجود و چگونگی تغیر در آنچه عقلا بر آن بنا می نهند
اعتبارات اجتماعی
فصل نهم: کلام
فصل دهم: ملکیت و لوازم آن
فصل یازدهم: ریاست و مرئوسیت لوازم این دو
فصل دوازدهم: بعث و زجر
فصل سیزدهم: اطاعت
فصل چهاردهم: اعتبارات حل تسلوی
فصل پانزدهم: عمل عقلا به علم
فصل شانزدهم: عمل عقلا در صورت نبودن علم
مقاله دوم: چگونگی ترتب امور حقیقی بر امور اعتباری
از تباط با اسناد
۰۹۱۵۰۰۲۹۵۲۹
آدرس تلگرام من اینا
@DARSHA